

درسنامه

امام صادق (علیه السلام)

شناسنامه کتاب:

نام کتاب: درسنامه امام صادق علیه السلام
مؤلف: ... آیت الله العظمی سید صادق حسینی شیرازی (دامت الله)
تدوین: ... زیر نظر گروه ترجمه آثار آیت الله العظمی شیرازی
ناشر: انتشارات یاس زهراء سلام الله عليها
تیراژ و قطع: ۵۰۰ نسخه - وزیری
نوبت و تاریخ چاپ: اول - فروردین ۸۵
چاپ: نینوا - قم ۰۹۱۲۳۵۱۰۵۰۰
قیمت: ۷۰۰ تومان

شابک: ۹۶۴ - ۸۱۸۵ - ۸۵ - ۹

کلیه حقوق طبع و نشر برای بنیاد جهانی
آیت الله العظمی شیرازی محفوظ است.
www.iswf.net



انتشارات

یاس زهراء

سلام الله عليها

قم مقدسه

ممراد ۰۹۱۲۲۵۱۰۵۲۶

[WWW.YasZahra.
Jeeran.Com](http://WWW.YasZahra.Jeeran.Com)

Email : Yas Zahra
@gawab.Com

فهرست مطالب

۱۱	پیشگفتار
۱۳	آغاز نامه
۱۴	خدا، اولین پناهگاه
۱۵	معنای وقار و سکینه
۱۶	محاسبه نفس
۱۸	حکایت
۱۸	سر انجام نیک
۱۹	حکایت عیاشی

حیا و پیروی از صالحان / ۲۱

۲۳	اموری که باید از آنها دوری کرد
۲۴	امام علی علیه السلام و حکومت
۲۷	ابن ابی عمیر
۲۹	حکایت
۳۱	خوش رفتاری با اهل باطل
۳۴	پیامبر صلی الله علیه و آله ، بهترین الگوی مجامله
۳۵	اصول مجامله
۳۸	مالک اشتر، الگوی مجامله و گذشت

تقوا و جایگاه آن / ۴۱

۴۲	 دشواری های تقوا و اجتهاد
۴۳	 بررسی اعمال
۴۶	 امام علی (ع) و تقوا
۴۹	 حکایت آدم و حوا در تورات

نقش زبان در سعادت و شقاوت انسانها / ۵۱

۵۲	 بنی امیه و اسلام
۵۳	 تصمیم و استقامت
۵۵	 اثم و عدوان

سکوت، گذرگاه تجهیز / ۵۷

۵۸	 سکوت و سخن گفتن
۶۱	 دشواری سکوت
۶۳	 حکایت

ذکر و انواع آن / ۶۷

۶۸	 ثواب ذکر
۶۹	 تسبیح موجودات
۷۱	 آثار ذکر
۷۳	 حضور قلب
۷۴	 فوائد ذکر
۷۵	 حکایت

دوری کردن از حرص / ۷۷

۷۸	 نعمت های خداوند
----	-----------------------

مسلمانان و اخلاق پیامبر ﷺ / ۸۵

۸۷	نمونه‌ای از ابتلائات گذشتگان
۸۸	اسلام آوردن عثمان بن مظعون
۹۱	مسئله شرعی

جایگاه صبر در اسلام / ۹۵

۹۸	حکایت
----	-------------

آثار دعا / ۱۰۵

۱۰۷	چگونگی استجابات دعا
۱۰۹	شروط استجابات دعا
۱۱۱	موانع استجابات دعا

احسان به خویشان / ۱۱۷

۱۲۰	خدمت به خلق و آخرت
۱۲۱	صدقه و بی‌نیازی
۱۲۲	استجابات سریع دعا
۱۲۳	امام سجاد علیه السلام و نیازمند

تقدیر الهی و رضایت / ۱۲۵

۱۲۷	رضایت به تقدیر خدا
۱۲۷	تفاوت صبر و رضا
۱۲۹	حکایت
۱۳۲	منشأ بلاها
۱۳۳	حکایت ابو تراب با ابوسفیان
۱۳۷	تفاوت انسان‌ها در قسمت و تقدیر

۱۳۸	 حکایت
۱۴۰	 مراتب رضا در انسان‌ها
۱۴۰	 محاسبه در دادگاه الهی
۱۴۲	 حضرت زهرا علیه السلام و مقام رضا

اطاعت ، تنها راه موفقیت / ۱۴۷

۱۴۸	 طاعت و عبادت
۱۴۹	 رفاقت تاجهنم
۱۵۰	 همت بلند
۱۵۰	 تأمل در جواب
۱۵۱	 یک سؤال و دوگونه جواب
۱۵۱	 دشواری‌های عصر غیبت
۱۵۲	 معرفت خدا و نبی و امام علیه السلام
۱۵۴	 نابودی اعمال
۱۵۶	 کوشش و مقام طاعت
۱۵۶	 احتیاط ، نشانه ایمان
۱۵۷	 دعای «یا مَنْ ارجوه»
۱۵۷	 نیرنگ‌های شیطان
۱۵۸	 غفلت و عبرت

تسلیم در دین / ۱۶۱

۱۶۳	 دین فروشی سمره بن جندب
۱۶۳	 دشواری تسلیم
۱۶۴	 سرگذشت علی بطائنی
۱۶۵	 زاهد و ترس از گناه

احسان به نفس / ۱۶۷

۱۶۹	حقایق معقول
۱۷۰	آخرت و حسرت
۱۷۱	لذت روح
۱۷۱	قلب، مرکز طاعت و معرفت
۱۷۲	غذای آسمانی و ایثار
۱۷۳	احسان و اسائه

اجتناب از گناهان / ۱۷۵

۱۷۵	بهترین اعمال در ماه رمضان
۱۷۶	خندیدن در صحن امام رضا علیه السلام
۱۷۷	ملاک اهل دنیا
۱۷۸	عالمی که علم باعث گمراهی اش شد
۱۷۹	بازخواست از عیسی بن مریم

پیروی از فرمانهای خدا / ۱۸۱

۱۸۲	انکار فضایل ائمه علیهم السلام و رضای خدا
۱۸۳	تصرف در دعای مأثور
۱۸۴	بی دقتی در نقل احکام
۱۸۴	سبک شمردن دین

نفس و سبک شمردن نماز / ۱۸۷

۱۸۸	شهوتهای انباشته و دنیای آکنده از بلا
۱۸۹	ولایت الهی و ولایت نفس
۱۸۹	خانه هارون
۱۹۰	تصمیم، رمز موفقیّت

۱۹۰	 شیخ اعظم و ماجرای مرجعیت
۱۹۱	 استخفاف ، مایه عقب افتادگی
۱۹۲	 سیزده سال درس و یک جلسه غیبت
۱۹۲	 مراتب سبک شمردن نماز
۱۹۳	 جنگ با شیطان

تلاش در راه طاعت خدا / ۱۹۵

۱۹۶	 وقار صالحان
۱۹۷	 صبر و حلم
۱۹۷	 خشوع صالحان
۱۹۸	 دوری از محارم
۱۹۸	 صدق و وفا
۱۹۹	 اطاعت صالحان
۲۰۰	 طاعت چیست ؟
۲۰۱	 حکایت
۲۰۲	 طاعت و عبادت

دنیا و ارزش آن / ۲۰۵

۲۰۵	 ارزش دنیا از نگاه امام علی ؑ
-----	------------------------------------

دوستی خدا / ۲۰۹

۲۱۱	 پیرامون واقعه غدیر
۲۱۶	 غدیر و نفی ظلم و دروغ
۲۱۶	 غدیر و مسئولیت ما

پیشگفتار

نامه‌ای از امام صادق علیه السلام در کتاب‌های کافی^(۱)، وافیه و بحار الانوار^(۲) آمده است که توصیه‌های بسیار مهمی برای شیعیان در بردارد. مرحوم کلینی این رساله را با سه سند ذکر کرده و علامه مجلسی هر سه سند را معتبر دانسته است.

«عن أبي عبد الله انه كتب بهذه الرسالة إلى أصحابه وأمرهم بمدارستها، والنظر فيها، و تعاهدها، والعمل بها».

آن امام همام قبل از پرداختن به متن نامه چهار دستور در مورد این نامه به شیعیان می‌دهند، که عبارتند از: مدارست، نظر، تعاهد، و عمل.

«مدارست»، یعنی برای یکدیگر خواندن؛ «نظر» در این جا به معنای تأمل در یکایک کلمات و اندیشیدن در آن است؛ «تعاهد» یعنی تکرار و تجدید عهد کردن و معنای «عمل» هم معلوم است.

آری، امام علیه السلام به شیعیان سفارش می‌کنند که مطالب این رساله را بارها برای خود و دیگران بخوانند و در آن تأمل نمایند و بدان عمل کنند. نکات مذکور در این نامه شریفه به قدری مهم است که رهبر شیعیان این چنین بر حفظ و تکرار و خواندن و عمل به آن تأکید می‌کنند. شیعیان آن زمان نیز در برابر این توصیه‌ها چنین کردند:

«فكانوا يضعونها في مساجد بيوتهم، فإذا فرغوا من الصلاة نظروا فيها؛ وروشت

۱. کافی، ج ۸، ص ۲.

۲. بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۲۱۰.

نامهٔ امام را در نمازخانه منزل‌های خود قرار می‌دادند و وقتی از نماز فارغ می‌شدند در مضامین آن تأمل می‌کردند.»

بر اساس سفارش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مستحب است که در خانه جایی به عنوان نمازخانه معین شود. ائمه اطهار این مسئله را رعایت می‌کرده‌اند؛ به عنوان مثال، در روایات و تاریخ آمده است هنگام ضربت خوردن حضرت امیر علیه السلام ایشان را به مصلاهی منزلشان انتقال دادند و این می‌رساند که آن حضرت در خانه خویش، جایی را بدین منظور اختصاص داده بوده‌اند. در آن روزگار، شیعیان نیز با تأسی به پیشوایان خود، در خانه‌هایشان جایی را به عنوان نمازخانه تعیین می‌کردند. اهمیت نامهٔ امام صادق علیه السلام برای آنها به اندازه‌ای بود که علی‌رغم کمبود قلم و کاغذ در آن روزگار، نسخه‌ای از این نامه را در نمازخانه می‌نهادند و بعد از نماز آن را مطالعه می‌کردند و این چنین با دل و جان از امر مولای خویش اطاعت می‌کردند.

امید است ما هم که پیرو آن امام همام هستیم بتوانیم به سفارش‌های حضرتش عمل کنیم.

آغاز نامه

بسم الله الرحمن الرحيم، اما بعد فاسئلوا ربكم العافية وعليكم بالدعة
والوقار والسكينة^(۱)؛ به نام خدای بخشاینده مهربان. از خداوند عافیت
بطلبید و بر شما باد طمأنینه و وقار و آرامش.

واقعیت این است که کلمه کلمه این نامه شریف جای تأمل، توضیح و تدبّر دارد، تا
مضامین آن در جان و دل مؤمنان رسوخ کند و با تمام وجود به سفارش‌های امام
خود جامه عمل بپوشانند.

بعضی از مسائل و اشیاء و افراد همیشه در یاد و خاطره انسان می‌ماند و همیشه با آنها
مانوس است؛ مثل لباس، زمین، دوست، ماشین و ...؛ به عنوان مثال کسی که مشکلی
برایش پیش آمده و برای حل آن به کمک دیگران نیاز دارد، قبل از هر چیز و هر کس به یاد
دوستانش می‌افتد و تصمیم می‌گیرد که پیش آنها رود و از آنان کمک بخواهد. امام
صادق (علیه السلام) نیز سخن خود را با نام و یاد مانوس‌ترین و عزیزترین چیز در نزدشان آغاز
می‌کند. پس از آن می‌فرمایند: «عافیت را قبل از هر چیز و هر کس، از خدا بخواهید».
کلمه عافیت در اصل به معنای سلامت بدنی است، اما توسعاً در معنای کلی دوری
از هر بدی نیز به کار می‌رود.

خدا، اولین پناهگاه

اولین درسی که از نامه امام صادق علیه السلام می آموزیم توجه به خدا در همه حال است. آری، طبق فرمایش امام علیه السلام، به هنگام گرفتاری و درد و ناراحتی قبل از آن که از دیگران کمک خواسته شود، ابتدا باید به سراغ خدا رفت و از او کمک و راه چاره خواست. اگر بدهکاری، بیماری و یا کمبودی هست، اول باید در خانه خدا رفت و از او چاره خواست؛ برای مثال کسی که بیمار است اول دعا کند، سپس به پزشک مراجعه نماید، و در بین راه بداند که خداوند خواسته است که بیماری او از طریق اسباب طبیعی مانند مراجعه به پزشک درمان شود. چنین کسی نباید بیماری اش را به حال خود بگذارد و نماز جعفر طیار بخواند! معنای از خدا خواستن این نیست که مسیر عادی راه ها پیموده نشود، بلکه مراد این است که کارها از خدا شروع شود. «قُلْ مَا يَتَّبِعُوا بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ»^(۱)؛ بگو: اگر دعای شما نباشد، پروردگارم هیچ اعتنایی به شما نمی کند. «کسی که می خواهد درس بخواند، یا درس بدهد، یا به وعظ و خطابه بپردازد، باید قبل از شروع برای خود دعا کند و از خالق بی همتا و قدرت مطلق کمک بخواند. بدین منظور دعایی وارد شده است که با این فقره آغاز می شود: «اللهم إني أعوذ بك أن أضلّ أو أضلّ أو أزلّ أو أزلّ أو أظلم أو أظلم أو أجهل أو يجهل عليّ، عزّ جارك و تقدّست أسماؤك جلّ ثناؤك و لا إله غيرك»^(۲)؛ بار خدایا، به تو پناه می برم از این که گمراه کنم یا گمراه شوم، بلغزانم یا بلغزم، ستم روا دارم یا مورد ستم قرار گیرم، جهل ورزم یا [نسبت] به من جهل روا داشته شود. [بار خدایا] پناه [گاه] تو [برای پناه خواهان] استوار، نام هایت مقدس، ستایشت بزرگ است و خدایی جز تو نیست».

خوب است این دعا را قبل از مطالعه بخوانند تا دچار سوء فهم نشوند. تمام دعاها و زیارت هایی که از جانب ائمه علیهم السلام وارد شده، با نام مبارک قادر بی همتا، آغاز شده

۱. فرقان، آیه ۷۷.

۲. بحار الأنوار، ج ۲، ص ۶۲.

است. گاه انسان خیال می‌کند فلان چیز به مصلحت اوست، حال آن‌که ضرر بزرگی برای او دارد. و این را فقط خدا می‌داند و فقط اوست که قدرتِ مهار و از بین بردن ضررها را دارد.

«و علیکم بالدعة و الوقار و السکینه».

«دعة» گرچه به معنای طمأنینه است اما معنای وسیع‌تری نیز برای آن گفته‌اند و آن عبارت است از این‌که انسان از چیزهایی که می‌داند برایش ضرر دارد یا احتمال می‌دهد ضرر داشته باشد دوری نماید؛ بنابراین از دعه نوعی احتیاط و پرهیز از جایگاه‌های خطر فهمیده می‌شود. مرحوم والد^(۱) می‌فرمود: انسان هنگام حرف زدن یا انجام دادن کاری، باید یک لحظه با خود بیندیشد تا اگر فردا در قبر خوابید و از او در این باره سؤال کردند جوابی داشته باشد؛ اگر دید جواب دارد انجام دهد، اما اگر شک داشت که معذور خواهد بود یا نه، انجام ندهد. این‌گونه فکر کردن در مورد اعمال روزمره از مصادیق «دعه» است.

معنای وقار و سکینه

«وقار» متعلق به ظاهر آدمی است و «سکینه» مربوط به باطن و درون اوست. به کسی که در هنگام غذا خوردن، گفت و گو، راه رفتن، گوش دادن، نگاه کردن و ... آرامش و طمأنینه داشته باشد می‌گویند شخص با وقاری است. پس مورد استفاده وقار اعضا و جوارح است.

اما آرامش و قرار دل را سکینه می‌گویند، و در واقع سکینه، وقار و آرامش دل است. لفظ سکینه از ماده سکون است و سکون بیشتر برای دل است تا برای ظاهر و بدن. به عبارت دیگر سکون با ظاهر تناسب ندارد؛ چرا که بنا نیست ظاهر انسان آرام باشد. ظاهر انسان به طور مرتب در جنب و جوش است. اما دل حکم وزنه سنگینی را دارد که نباید تکان بخورد و پیش آمده‌های سخت و ناگوار آن را بلرزاند. سکینه مکمل وقار است و این دو را باید با همدیگر داشت. انسان برای حفظ آبروی خویش سعی می‌کند وقار داشته باشد. وقتی وقار ظاهری پیدا کرد باید سعی کند در دلش هم آرامش و وقار حاکم گردد که

این همان « سکینه » است. اگر انسان نتواند دلش را تحت تصرف خود درآورد، وقار ظاهری اش را نیز از دست خواهد داد. از طرف دیگر اگر وقار ظاهری نباشد، سکینه دل نیز وجود نخواهد داشت. پس این دو در یکدیگر تأثیر و تأثر دارند و نباید از هیچ کدام آنها غافل ماند. روایتی از حضرت امیر علیه السلام نقل شده است که می فرمایند:

« ما أضمر أحدكم شيئاً إلا وأظهره الله على صفحات وجهه وقللت لسانه ^(۱)؛ هیچ کس چیزی را در دل نهان نمی کند مگر آن که در سخنان بی تأملش یا در چهره اش ظاهر می گردد ».

اگر انسان نتواند مهار دل خود را به دست گیرد سرانجام تأثیرات آن ظاهر می شود و همه از آن با خبر می شوند. حتی آنهایی که قوی النفس و بااراده هستند نیز در نهایت درونشان آشکار می گردد، اما دیرتر از دیگران.

« علیکم » اسم فعل و به معنای « الزموا » است. امام در این جا از شیعیان می خواهند که در ظاهر و باطن خود آرامش داشته باشند و البته به کار بستن این دستورها تمرین و جدیت می خواهد و در هر کاری تمرین لازم است.

پس کسی که می خواهد درون و بیرون خود را به صفت آرامش و وقار بیاراید باید بسیار تمرین کند و تلاش و استقامت فراوانی به خرج دهد.

محاسبه نفس

محاسبه نفس از بهترین تمرین ها برای کسب وقار و سکینه است. در اهمیت این کار همین بس که در روایت آمده است: « لیس مثامن لم يحاسب نفسه في كل يوم ^(۲)؛ آن که هر روز نفس خود را محاسبه نکند از پیروان ما اهل بیت نیست ». با تمرین و استمرار است که انسان پخته می شود و ظاهر و باطن خود را آرامش بخشیده، سکون را در وجود خویش حکمفرما می کند.

اهل علم مثالی برای لزوم تکرار و استقامت در مطالعه و تحقیق دارند؛ می گویند: « أما

۱. بحار الأنوار، ج ۶۵، ص ۳۱۶.

۲. کافی، ج ۲، ص ۴۵۳.

تری الحبل بتکراره ، فی الصخرة الصماء قد أثرا ؛ آیا نمی بینی طنابی که از لیف خرماس است بر اثر تکرار و آمد و رفتِ بسیار ، در سنگ خارا اثر کرده است ؟ « دلوی که با آن از چاه آب می کشند به یک طناب وصل است ، لبه چاه از جنس سنگ ، و طناب بسیار نرم است ، اما همین طناب نرم آنقدر بر روی این سنگ کشیده می شود و بالا و پایین می رود که در محل تماس خود با سنگ ساییدگی ایجاد می کند . می گویند علم از آن طناب لطیف تر نیست و ذهن دانش پژوه نیز از آن سنگ سخت تر نیست . پس با تکرار و ممارست همه می توانند عالم شوند . دانش پژوهان باید درس ها را بارها مطالعه کنند و بر اثر تکرار ، در وجود خویش ملکه سازند .

برای نهادینه کردن صفات خوب اخلاقی نیز باید با نفس همین کار را کرد . آن قدر باید آن را تمرین داد تا صفتی در آن به صورت ملکه در آید . حضرت امام صادق علیه السلام نیز با بیان عبارت « علیکم » در صدد بیان همین نکته اند . باید تصمیم گرفت و عمل کرد . به صرف تصمیم کاری از پیش نمی رود . در همین روایت آمده است که شیعیان این نامه را در مصلاهی خانه های خود قرار می دادند و هر بار که از نماز فارغ می شدند ، آن را مطالعه می کردند . بر اثر عمل به این سفارش هاست که بزرگانی همچون ابن ابی عمیر ، و محمد بن مسلم^(۱) و دیگران پرورش می یابند .

نباید از سختی کار ترسید ، و باید به خود تلقین کرد که آدم شدن و ایجاد صفات پسندیده در وجود خود ناممکن نیست .

در هیچ کاری نباید احساس ناامیدی به انسان راه یابد ؛ زیرا در این صورت موفقیتی به دست نمی آید . سختی کار نباید انسان را به هراس اندازد ، اگر ممکن نبود دیگران هم نمی توانستند ، اما تاریخ گواهی می دهد که کسانی توانسته اند بر قله های افتخار قدم نهند و

۱. محمد بن مسلم بن عبدالله بن شهاب الزهري (۵۸-۱۲۴ ق) از اعیان فقها و محدثین و تابعین بوده است. مالک بن انس ، سفیان ثوری ، سفیان بن عیینه و جمع دیگری از محدثین از وی روایت کرده اند ، وی احادیث بسیاری از حضرت سجاد علیه السلام روایت کرده است. بعضی از علمای رجال او را از اصحاب امام صادق علیه السلام نیز شمرده اند. علمای اهل سنت بیش از اندازه او را ستوده اند و جلال الدین سیوطی او را اولین کسی می داند که حدیث را تدوین نموده است. (ریحانة الادب ، ج ۲ ، ص ۳۹۸ و ۳۹۹)

صاحب اخلاق و رفتار اسلامی در حد اعلای آن شوند. این خود، بالاترین دلیل بر امکان تهذیب نفس و کسب فضایل اخلاقی است.

حکایت

در شهر کربلا دو نفر که سابقه دوستی دیرینه‌ای با یکدیگر داشتند، بر سر مسئله‌ای با هم اختلاف پیدا کردند و از همدیگر آزرده شدند. یکی از آنها تصمیم گرفت با دیگری آشتی کند و دوستی خود را از سر گیرد. فردای آن روز با دیدن دوست رنجیده‌اش سلام کرد، اما جوابی نشنید و دوستش روی خود را از او برگرداند. فردا و روزهای دیگر نیز بر این منوال گذشت تا آن‌که شش ماه از این ماجرا گذشت. در طول این شش ماه، هر وقت دوست رنجیده‌خاطر خود را می‌دید سلام می‌کرد، اما جوابی نمی‌شنید. یک روز که طبق معمول به دوستش سلام کرد و انتظار شنیدن جواب نداشت، گل از لب دوستش شکفت و پاسخ داد: «علیکم السلام؛ چرا دست بردار نیستی؟» گفت: «من به وظیفه‌ام عمل می‌کنم و می‌خواهم طلسم قهر و دشمنی را که بر دوستی چندین و چند ساله‌مان مستولی گردیده، درهم شکشم و به جای آن دوباره لطف و صفا و دوستی را بنشانم. پس از آن همدیگر را در آغوش کشیدند و سالیان سال برای یکدیگر دوستان خوبی بودند. آری، انسان می‌تواند با تمرین و ممارست بر نفس سرکش خود چیره گردد و او را در بند کشد.

سرانجام نیک

زهیر بن قین^(۱) کسی است که بنا به گفته مرحوم نمازی^(۲) در مستدرک سفینه البحار

۱. زهیر بن قین از جمله اصحاب امام حسین علیه السلام است، امام بعد از شنیدن خبر شهادت مسلم در صحرای کربلا سفیری به اردوی زهیر فرستاد و از او طلب یاری کرد. زهیر ابتدا امتناع کرد ولی با تشویق زنش هر دو به یاری امام شتافتند و سرانجام شهد شهادت نوشیدند.

۲. علی نمازی شاهرودی (۱۲۹۳ - ۱۳۶۳ ش)، عالم دینی، فقیه، محدث و متکلم. در شاهرود به دنیا آمد پس از فراگیری مقدمات نزد پدرش، به مشهد مهاجرت نمود و مدارج عالی سطح را نزد استادان مشهد فرا گرفت. در معارف و اخلاق از محضر میرزا مهدی غروی اصفهانی بهره‌مند گشت. وی علاوه بر امامت جماعت یکی از

« تشرّف بالسلام من الناحية المقدسة » یعنی در زیارت ناحیه که منسوب به حضرت ولی عصر است آمده: « السلام علی زهیر بن القین ». آری فخر عالم، منجی بشریت بر زهیر بن قین درود می فرستد. مگر زهیر که بود؟ در تاریخ آمده است که او عثمانی بود و با اهل بیت علیهم السلام جنگ و دشمنی داشت. عثمانیه جریانی بود که پس از کشته شدن عثمان به سرکردگی معاویه تشکیل شد و اساس آن بر این عقیده بود که سبب کشته شدن عثمان، علی بن ابی طالب بوده است. عثمانی ها ادعا داشتند اطرافیان علی بودند که عثمان را کشتند. آنان نه تنها علی بن ابی طالب را امام نمی دانستند که با آن حضرت و پیروانش جنگ و دشمنی هم داشتند. زهیر در کوفه یعنی مرکز اصحاب امیر مؤمنان و فرزندان بزرگوار آن حضرت زندگی می کرد، اما با این حال با آنان دشمنی داشت. ولی همین زهیر بن قین عثمانی به مقام و مرتبه ای می رسد که امام غایب شیعیان بر او سلام می فرستد.

حکایت عیاشی

یکی دیگر از کسانی که به جرگه دوستان اهل بیت پیوست عیاشی^(۱) است. عیاشی عالمی سنی و اهل قلم و بسیار خوش استعداد بود که سه کتاب در باب فضایل خلفا (ابوبکر، عمر، عثمان) و حقانیت آنان نوشت، اما پس از مدتی شیعه شد و در بغداد مدرسه ای بنا نهاد و شاگردان مبرّز بسیاری پرورش داد. از شاگردان عیاشی، کشی^(۲) و

۴۵ مساجد مشهد به کار تألیف و تصنیف نیز اشتغال داشت. از آثار وی می توان مستدرک سفینه البحار، ابواب رحمت، تاریخ فلسفه و تصوف، ارکان دین، مقام قرآن و عترت در اسلام، فهرست منتهی الجمال، اثبات ولایت و آثار دیگری را نام برد.

(اثر آفرینان: زندگینامه نام آوران فرهنگی ایران از آغاز تا سال ۱۳۰۰ شمسی، ج ۶، ص ۶۴).

۱. ابوالنضر محمد بن مسعود بن محمد بن عیاش، معروف به عیاشی: فاضل، ادیب، مفسر، محدث، و از اعیان شیعه در عهد محمد بن یعقوب کلینی است. در فهرست ابن ندیم ۱۵۷ کتاب به وی نسبت داده شده است که مهم ترین آنها تفسیر عیاشی است. (ریحانة الادب، ج ۴، ص ۲۲۰ و ۲۲۱).

۲. ابو عمرو محمد بن عمر بن عبد العزیز (م: حدود ۳۴۰ ق) از ثقات علما و محدثین امامیه است. از شاگردان محمد بن مسعود عیاشی بوده و از وی روایت نموده است. وی در علم رجال تبخّر داشت و کتاب رجسال او معروف است. نام اصلی این کتاب معرفة اخبار الرجال یا معرفة الناقین عن الاثمة الصادقین است. رجال کشی به دست شیخ طوسی تلخیص شده و اختیار الرجال یا اختیار الکشی نامیده شده است آنچه امروز در دسترس است همین خلاصه است و اصل کتاب وی بنا بر قولی موجود نیست. (ریحانة الادب، ج ۵، ص ۶۲-۶۳).

نجاشی^(۱)، دو رجالی معروف را می‌توان نام برد که کتاب‌های آنان در رجال باعث توثیق و تحکیم روایات شیعیان شده است و اگر رجال کشی و رجال نجاشی نبود، هزاران روایت از روایات شیعه بی‌اعتبار می‌شد؛ زیرا از راویان این روایات در جای دیگر یاد نشده و تنها منبع توثیق آنان رجال کشی و نجاشی است.

www.ketab.ir

۱. ابو الخیر ابو الحسن (ابو العباس) احمد بن علی بن احمد نجاشی اسدی کوفی، صاحب رجال مشهور، از علمای امامیه در قرن پنجم، از شاگردان سید مرتضی است و از شیخ مفید، هارون بن موسی تلکبری، احمد بن نوح سیرافی و احمد بن حسین ابن القضاثری روایت کرده است از آثار وی می‌توان رجال وی را نام برد. (ریحانة الادب، ج ۶، ص ۱۳۴ و ۱۳۵).